

وضعیت اقتصادی و تجاری آذربایجان در قرن چهارم هجری

پریسا قربان‌نژاد

دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران-ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹/۰۷/۰۹) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۹/۲۰)

Economic and Trade Situation of Azerbaijan in the 4th Century AH

Parisa Ghorbannejad

Associate Prof, Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations,
Faculty of Theology, Al-Zahra University Tehran-Iran

Received: (2020 /09 /30)

Accepted: (2020 /12 /10)

Abstract

Although Azerbaijan was in a state of political turmoil in the fourth century AH, it enjoyed economic prosperity due to its rich natural and human resources, strategic location, and the development of cities, roads, and villages. This survey intends to study the causes of economic prosperity of Azerbaijan in the mentioned political conditions by focusing on historical data by descriptive-analytical method with a focus on production and trade. The findings show that with the decline of the Abbasid caliphate and the rise of independent and semi-independent rulers in Azerbaijan and the occurrence of civil and foreign wars and the consequent destruction of cities and villages that imposed costs on the people, but by adopting Independent fiscal policies and negligence on the part of the people led to the growth of the popular economy, increased diversity of agricultural, livestock and industrial products, expansion of trade, prosperity of exports and development of the Azerbaijan economy.

Keywords: Azerbaijan, production, Trade, Financial system, Bazaar.

چکیده

آذربایجان علی‌رغم آنکه به لحاظ سیاسی در قرن چهارم هجری اوضاع ناآرامی را سپری می‌کرد، اما به سبب غنای منابع طبیعی و انسانی، موقعیت استراتژیک، آبادانی شهرها، راه‌ها و روستاها از رونق اقتصادی برخوردار بود. این پژوهش بر آن است که با تکیه بر داده‌های تاریخی و جغرافیایی و با روش توصیفی-تحلیلی، علل رونق اقتصادی آذربایجان را در شرایط سیاسی مذکور بررسی نماید. یافته‌هایی که با تمرکز بر محصولات تولیدی، راه‌های تجاری، بازارها، نظام پولی و صادرات به دست آمد، حاکی از آن است که با توجه به قدرت گرفتن امرای محلی در آذربایجان و اتخاذ سیاست‌های مستقل، ضرب سکه، سهل‌گیری در دریافت مالیات، موجبات رشد اقتصاد مردمی آذربایجان فراهم آمد. تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی افزایش یافت و با ایجاد بازارهای بین‌المللی و عرضه کالاهای متنوع در آنها و صادرات به سایر بلاد، آذربایجان سهم مهمی در اقتصاد قرن چهارم هجری ایفا نمود.

کلیدواژه‌ها: آذربایجان، تولید، تجارت، نظام مالی، بازار.

۱. مقدمه و بیان مسئله

سرزمین‌های اسلامی در قرن چهارم هجری به مدد رونق تولید و مبادلات تجاری از رشد پرشتاب اقتصادی برخوردار بودند، اما ارائه تصویری روشن از وضعیت اقتصادی آذربایجان در دوره مذکور، کاری بس دشوار است، زیرا امرای نیمه‌مستقل و مستقل ساجیان (۲۷۶-۳۱۸ق)، سالاریان (۳۳۰-۳۷۰ق) و روادیان (۳۷۴-۴۶۵ق) که عمر کوتاهی داشتند در آذربایجان حکومت می‌کردند و این منطقه گرفتار جنگ و یاغی‌گری بود. گاهی نیز بدون حضور حکومت مرکزی اداره می‌شد. حاکمان مذکور برای تدارک جنگ‌های داخلی و خارجی، جذب نیرو، تجهیز سپاه و گاه مقاومت در برابر خلافت عباسی به همراهی مردم نیاز داشتند، بنابراین در وضعیت آشفته سیاسی نه تنها با آزادی‌های اجتماعی و دینی مخالفتی نمی‌کردند بلکه اقتصاد منطقه نیز بدون دخالت آنها و عمدتاً به دست مردم اداره می‌شد. هدف مقاله حاضر بررسی وضعیت اقتصادی آذربایجان در قرن چهارم، با تمرکز بر تولید و تجارت است. اینکه با توجه به درخشش اقتصاد تمدن اسلامی در دوره مذکور، آذربایجان به عنوان بخش مهمی از جهان اسلام، با ویژگی‌های جغرافیایی و سرزمینی خاص، از چه جایگاه اقتصادی برخوردار بوده است؟ نظام پولی، بازارهای منطقه، راه‌های داخلی و خارجی، اقلام صادراتی و وارداتی چه وضعیتی داشته است؟ با پاسخ به هر کدام، پژوهشگر به حل مسئله اصلی مقاله که تبیین وضعیت اقتصادی آذربایجان در قرن چهارم است، رهنمون خواهد شد. در پاسخ به سؤال فوق

این فرضیه مطرح می‌شود که آذربایجان علی‌رغم کشمکش‌های پی‌درپی برای کسب قدرت توسط حاکمان محلی به واسطه ویژگی خاص آب و هوایی، کشاورزی و دامداری پررونقی داشت. قرارگیری در منطقه استراتژیک و عبور شاه راه بزرگ شمالی، بازار و تجارت پرسودی را برای مردم به ارمغان آورده بود.

هرچند در خصوص اوضاع سیاسی و حکومت‌های آذربایجان در این دوره پژوهش‌هایی انجام یافته، اما در خصوص اوضاع اقتصادی پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و این مقاله در نوع خود بدیع است. حسین آلیاری در مقاله «نام شهرها و وضع راه‌های آذربایجان در قرون نخستین اسلامی» (۱۳۶۳)، با تکیه بر منابع جغرافیایی اطلاعاتی ارائه می‌دهد. رحیم رئیس‌نیا در بخش دوم و سوم کتاب *آذربایجان در سیر تاریخ* (۱۳۶۸) در خصوص حدود، شهرها، مسیرهای فتح آذربایجان مطالبی را با تکیه به منابع دست اول ارائه می‌دهد. محمدقلی دقیقی در مقاله «تاریخچه ضرب سکه در آذربایجان غربی» (۱۳۸۳) اطلاعات خوبی در خصوص ضرب سکه در دوره ساجیان و سالاریان ارائه می‌دهد. کتاب *شهریاران گمنام اثر کسروی* (۱۳۸۴) متمرکز بر وضعیت سیاسی این دوره است، اما در حکومت سالاریان به وضعیت نظام مالیاتی اشارات کوتاهی دارد. اشپولر در *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی* (۱۳۷۷) به بررسی اوضاع اقتصادی ایالت‌های ایران پرداخته، اما هر ایالت را به صورت مستقل مورد تحلیل قرار نداده است. مقاله «آذربایجان» (۱۳۹۰) به تألیف زریاب خویی در

طرف شمال به اللان و جبال قبق، و از طرف جنوب به حدود عراق و اندکی از حدود جزیره» محدود بود (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۱). اما در خصوص تعیین شهرها، علاوه بر ابن‌حوقل، منابع جغرافیایی اواخر قرن سوم و قرن چهارم مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که در ارائه گزارش جغرافی‌نویسان چه آنها که به آذربایجان سفر کرده‌اند یا از سایر منابع اقتباس نموده‌اند، اختلافاتی در ذکر شهرهای سرحدی خصوصا در شمال آن وجود دارد.^۱ از این رو نگارنده برای رفع این نقصان، آن دسته از شهرهایی که حداقل در سه منبع جغرافیایی مربوط به قرن چهارم به عنوان شهرهای آذربایجان ذکر شده بود، در این مقاله لحاظ نمود که عبارتند از: اردبیل، مراغه، ارمیه، تبریز، سلماس، خوی، مرند، میانج، موغان، باجروان، ورثان، برزه، دهخوارقان، اشنه، برزند، شیز، نریز، خونج، کولسره، اهر، سره، بد، جابروان، بیلقان (رک: جدول شهرها در همین مقاله). در مجموع شهرهای آذربایجان ۲۴ شهر تعیین شد، اما نکته مهم آن است که در خصوص وضعیت تجاری و اقتصادی آذربایجان تنها از ۱۸ شهر اطلاعات لازم به دست آمد.

برخی از این شهرها مانند اردبیل، تبریز، مراغه، ارمیه، خوی، سره در دوره‌های بعدی تاریخ آذربایجان رونق یافتند و حامل میراث و تمدن ایران قبل از اسلام به دوران بعد شدند.

بخش معرفی شهرها با تکیه بر منابع جغرافیایی به صورت محدود به اوضاع اقتصادی اشاره نموده است.

نگارنده با تکیه بر منابع دست اول مانند تواریخ عمومی، فتوح و خراج، آثار سیاحان و جغرافی دانان از اواخر قرن سوم تا اوایل قرن پنجم ق که حاوی اطلاعات با ارزشی هستند به بررسی و گردآوری داده‌ها پرداخت و با روش توصیفی - تحلیلی به ارائه نتایج بررسی خود اقدام نمود. خاطر نشان می‌سازد با توجه به اینکه موضوع مقاله حاضر تجارت و اقتصاد است در بررسی ارتباطها و مسیرهای تجاری گاه بنا به ضرورت نام شهرهایی خارج از آذربایجان نیز ذکر شده است.

۲. محدوده جغرافیایی و شهرهای آذربایجان

با توجه به اینکه آذربایجان، اران و ارمینیه در قرن چهارم به طور عمده تحت یک حاکمیت سیاسی قرار داشتند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۱، ۹۱). لذا تعیین دقیق حدود جغرافیایی و تفکیک شهرهای آذربایجان و اران که با هم پیوند عمیق اقتصادی، فرهنگی و قومی داشتند (رئیس‌نیا، ۱۳۶۸: ۸۷) دشوار است. نگارنده در این مقاله، حدود آذربایجان را با استناد به ابن‌حوقل (م: ۳۶۷ق) که در قرن چهارم به آنجا سفر کرده و مشاهدات و شنیده‌های خود را از افراد ثقه و پس از تحقیق گردآوری نموده (شعار، ۱۳۷۷: ۳/۱۱۲۶). تعیین کرد. بر این اساس، آذربایجان در قرن چهارم «از طرف مشرق به جبال و دیلم و غرب دریای خزر، و از طرف مغرب به حدود ارمن و اللان و اندکی از حدود جزیره، و از

۱. ابودلف، یعقوبی و بلعمی، جغرافی‌نویسان قرن سوم و چهارم هجری، آذربایجان و اران را از هم جدا نکرده‌اند (رئیس‌نیا، ۱۳۶۸: ۷۹).

شهرهای آذربایجان آباد، پرجمعیت، دارای آب و هوایی خوب، باغ‌های میوه مرغوب، آب‌های معدنی فراوان، بازارهایی پرکالا و مشتری، مراکز دینی متعدد بودند. مردمان آن خوش ترکیب، اهل معاش، کاسب کار، خوش معامله و دارای بخشش و کرم توصیف شده‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۳-۵۵۴؛ کربلایی، ۱۳۴۴: ۱/۲۷۶). هرچند در این دوره برخی از شهرهای آذربایجان بر اثر درگیری‌های سیاسی، صدمه فراوان می‌دیدند؛ اما بلافاصله بعد از ترک خصومت، مردم به آبادانی و عمارت شهرهایشان می‌کوشیدند که این امر موجب تعجب مسالک و ممالک‌نویسان می‌شده است و البته وجود منابع طبیعی فراوان و سخت‌کوشی مردم آذربایجان، بازسازی‌های مداوم بعد از خرابی‌های متعدد ناشی از بلایای طبیعی و غیرطبیعی را توجیه‌پذیر می‌نماید (زریاب، ۱۳۹۰: ۱/۱۹۴). در این دوره اکثر شهرها بارو و حصار داشتند. تصرف املاک آذربایجان به دست امرای خودمختار عرب به توسعه شهرنشینی در آن کمک کرده است (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۳۲۰-۳۲۲).

۳. حیات سیاسی

در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم ساجیان (۲۷۶-۳۱۸ق) در آذربایجان حکومت می‌کردند. محمد بن ابی‌الساج (حک: ۲۸۵-۲۸۸ق) و یوسف بن ابی‌الساج (حک: ۲۸۸-۳۱۵ق) از فرمانروایان مقتدر این سلسله بودند که تا آن سوی ارس تحت فرمانروایی آنان قرار داشت (فرای، ۱۳۵۸: ۲۲۵). اینان گاه از خلیفه اطاعت و گاه دعوی استقلال داشتند. هرچند که این

استقلال‌طلبی در اثر ضعف خلافت عباسی و عدم تسلط بر اوضاع منطقه بود، اما خلفای عباسی نیز برای جلوگیری از افزایش انگیزه‌های استقلال‌طلبی رؤسای عرب و ارمینیه، دفع دشمنان و فتح مناطق مرکزی ایران، ترجیح می‌دادند، امارت آذربایجان را به امرای محلی واگذار کنند (طبری، ۱۴۱۳ق: ۹/۹۵؛ فروزانی، ۱۳۸۹: ۲۴۰). این موضوع مورد درخواست مردم منطقه نیز بود، زیرا دیگر در مقابل والیانی که از مرکز خلافت عباسی برای بهره‌کشی به این سرزمین فرستاده می‌شدند، سر فرود نمی‌آوردند (مسکویه، ۱۴۲۴ق: ۵/۲۲۱-۲۲۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق: ۸/۳۴۹). یوسف بن ابی‌ساج (م: ۳۱۵ق) در میان مردم منطقه به «شیخ کریم» معروف بود (همان: ۱۳۵؛ ناصرخسرو، ۱۳۴۱: ۸). تعیین تختگاه حکمرانی در مراغه و سپس اردبیل و ضرب سکه از نشانه‌های استقلال‌طلبی و رونق اقتصادی در دوره ساجیان بود (مایلز، ۱۳۷۹: ۴/۳۲۴). پس از ساجیان از سال ۳۲۶ق یک یاغی به نام دیسم بن ابراهیم الکردی (م ۳۴۵ق) از نسل خوارج و بی‌اعتقاد به خلافت بر مسند آذربایجان تکیه زد و بیرق استقلال و خودسری برافراشت (کسروی، ۱۳۸۴: ۶۵).

خاندان دیلمی و اسماعیلی مذهب سالاریان از (۳۳۰-۳۷۰ق) بر آذربایجان دست یافتند (Shahmoradi, 2012: 52). و بخش‌هایی از گرجستان، شروان، شکی، ابخاز و قفقاز را به تبعیت و باجگزاری از دولت خود وا داشتند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۰). سالار مرزبان (۳۳۰-۳۴۶ق) بدون تبعیت از خلافت عباسی حکومت آذربایجان را در دست گرفت و به نام خلفای

اقوامی چون آذری‌ها، کردها، اعراب (Vacca, 2015: 538) و پیروان ادیانی چون اسلام، زرتشتی و مسیحی غالباً در صلح و آرامش روابط اجتماعی و اقتصادی خوبی داشتند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۴۸)، که مسلماً به رشد اقتصادی منطقه کمک می‌کرد. البته به ندرت از بی‌گذشت بودن نسبت به مذهب دیگران در برخی از مناطق گزارش شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۰-۵۶۱).

۴. تولیدات آذربایجان

با توجه به شرایط اقلیمی آذربایجان، عمده تولیدات این منطقه در قرن چهارم محصولات کشاورزی و دامداری بوده است، اما در خصوص صنایع تبدیلی مانند منسوجات، فرش و صنایع فلزی گزارش‌های پراکنده‌ای وجود دارد که بدان‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱. کشاورزی

یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد و معیشت مردم آذربایجان در طول تاریخ، کشاورزی بود. ویژگی‌های خاص آب و هوایی، نزولات جوی، خاک حاصلخیز، چشمه‌ها و رودهای پرآب، روستاهای آباد و سخت‌کوشی مردم موجب به بار نشستن محصولات زراعی و باغی مرغوب می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۳؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۶۴؛ ثعالبی، ۱۸۶۷م: ۱۳۱).

شواهد تاریخی حاکی از آن است که پس از

فاطمی سکه ضرب کرد (کسروی، ۱۳۸۴: ۶۴؛ هوسپیان، ۱۳۹۵: ۳۳۰). اما شکوه سالاریان پس از وی فروریخت و دچار اختلاف شدند و جای خود را به رُوادیان دادند. روادیان (۳۴۷-۴۶۵ق) در کردستان و آذربایجان دارای نفوذ و قدرت بودند (دهقان، ۱۳۴۳: ۳۳۸-۳۳۹). با تسلط بر سرزمین‌های اطراف دریاچه ارومیه حکومت مقتدری تشکیل دادند. شهر تبریز را پایتخت خود کردند و در رشد و ترقی آن کوشیدند (یاقوت، ۱۳۸۳: ۷۰۵/۱). در دوره روادیان نبرد با سران گرجی و ارمنی ادامه داشت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق: ۹/۴۳۹).

به طور کلی رفتار حاکمان محلی با مردم به مراتب بهتر از برخورد عمال مستقیم دستگاه خلافت بود. حاکمان مستقل (مادولونگ، ۱۳۷۹، ۱۹۸-۲۰۵)، دهقانان را مأمور جمع‌آوری مالیات کرده بودند و ایشان نیز کمتر به زور متوسل می‌شدند. به همین دلیل با وجود منازعات و حضور انبوه نیروهای نظامی برای دفاع در مقابل تهاجمات خارجی که هزینه‌های هنگفتی صرف آن می‌شد، ساکنان آذربایجان کمتر به وضع موجود معترض بوده‌اند. حاکمان محلی به همان اندازه که در برابر دشمنان داخلی و خارجی سخت‌گیر بودند، با مردم منطقه به مدارا رفتار می‌کردند این سیاست مردم را به حفظ مالکیت بر اراضی و تداوم فعالیت اقتصادی دلگرم می‌نمود (Ismailov, 2017: 94).

هرچند در این دوره آذربایجان محل حضور اقوام و ادیان مختلف بود، اما از مناقشات سیاسی و دینی در میان آنان گزارشی در دست نیست.

۱. در پرابی این اقلیم آمده است «راهپیمایی در بخش‌های آن نیازی به برداشتن آب ندارد، زیرا که هر جا برود آب زیر پای او روان است» (یاقوت، ۱۳۸۳: ۱۶۰/۱).

آوردن روزی از زمین و طبیعت سرد آذربایجان حکمفرما بود، به طوری که در فصل سرما و یخبندان زمین را شخم می‌زدند و خاک را آماده کشت می‌نمودند، زیرا ذوب نشدن برف‌ها در بهار و فرا رسیدن زود هنگام فصل سرما، تولید محصول را تهدید می‌کرد. مقدسی می‌گوید:

در روستاهای اردبیل با هشت گاو و چهار تن راننده شخم کنند هر راننده برای دو گاو. من پرسیدم آیا این کار به سبب سختی زمین است؟ گفتند نه! بلکه برای یخبندان است! (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۷).

با آنکه مناطق آذربایجان کوهستانی بود، اما در کثرت روستاها و زمین‌های زراعی همین بس که دامنه کوه سبلان در اردبیل با یک‌صد و چهل فرسنگ پهنا و نواحی فراخ مراغه، همه روستاهای نزدیک به هم و کشتزار بودند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۵؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۳-۸۴). دشت بلاشگان^۳ با بیش از پنج هزار روستا یکی از بهترین مناطق حاصلخیز بود (یاقوت، ۱۳۸۰: ۷۸۰/۲). همچنین «دهخوارقان از هر سوی به داشتن قریه و روستا آباد بود» (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۳). به طور کلی در اغلب شهرها از جمله مراغه، اردبیل، تبریز، مرند، خوی، سلماس، موغان، اشنه، برزند، ارمیه وجود باغ‌ها و میوه‌های فراوان با قیمت ارزان گزارش شده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۵؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۹). اما محصولات کشاورزی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

فتح آذربایجان توسط اعراب، مردم برای کار در زمین‌های زراعی خود با سختی‌هایی مواجه شدند، زیرا اهل دیوان و عطا که اشراف و سرداران عرب بودند و توابع آنها به بهانه دعوت مردم به اسلام، زمین‌های مزروعی را مالک شدند. به ناچار مردم قریه‌ها برای حفظ جان و اراضی خود به آنها پناه بردند و به عنوان برزگر در خدمت فاتحان درآمدند (بلاذری، ۱۹۸۸م، ۳۲۰؛ زریاب، ۱۳۹۰: ۱۹۷/۱). ابن‌فقیه (م: ۳۳۰ق) می‌گوید: «چون عرب به آذربایجان شدند، عشایر آنان نیز از مصر و شام به سوی ایشان آمدند و هر قوم، بر هر چه توانستند دست یافتند. بدین‌گونه مردم آذربایجان به مزارعه^۱ برای آنان به کار پرداختند» (ابن‌فقیه، ۱۴۱۶ق: ۵۸۱). این نظام نیمه‌فئودالی از زمان امویان (۴۱-۱۳۲ق) شروع شد و در خلافت عباسی نیز ادامه یافت، اما در قرن چهارم با ضعف عباسیان و روی کار آمدن حکومت‌های محلی و سهل‌گیری حاکمان بومی، اوضاع فرق کرد و بخشی از اراضی مانند املاک خاصه عباسیان در ورثان، مراغه به مردم عودت داده شد (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۳۰۳، ۳۲۱). و امکان استفاده عادلانه از مراتع و شکارگاه‌ها برای عموم به وجود آمد^۲ (اشپولر، ۱۳۷۷: ۲۹۳). این وضعیت، گرچه موجب تثبیت مالکیت بخشی از مردم بر اراضی و رونق کشت و زرع شد، اما همچنان شیوه‌های طاقت‌فرسا در به دست

۱. مزارعه عقدی که در آن صاحب زمین، زمین خود را به کس دیگر برای زراعت واگذار کند و حاصل را میان خود تقسیم کنند (معین، ذیل واژه).

۲. دولتمردانی مانند روادیان املاک جدید و به احتمال محدودتری را برای خود ایجاد نمودند.

۳. درازای آن از برزند تا بردعه و از ورثان تا بیلقان است (یاقوت، ۱۳۸۳: ۵۲۳/۲).

در قبان^۲ و کناره‌های رود ارس (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۶۱) رواج پیدا کرد. به نظر می‌رسد با توجه به تولید پارچه‌های کتان و مشابهت شرایط اقلیمی، این گیاه می‌توانست در شهرهای بیشتری کشت شود.

۲-۴. تولیدات دامی

در قرن چهارم مردم از طریق دامداری امرار معاش می‌کردند. کشاورزان در کنار مزارع خود به پرورش دام و طیور می‌پرداختند، اما گله‌داری و زندگی کوچ‌رویی به سبب وجود بیلاق‌های فراوان یکی از زمینه‌های مهم دامداری بود. خصوصا اقوام کرد با زندگی کوچ‌رویی نقش مهمی در رونق دامپروری داشتند (کاهن، ۱۳۷۹: ۴/۲۶۷). دامنه کوه‌های اشنه محل بیلاق کردن هذبانی و چراگاه احشام بود (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۰۲). دشت‌های پرآب موقان و بلاشگان^۳ با چراگاه‌های فراوان برای زندگی شبانی و پرورش اغنام و احشام مناسب بودند (یاقوت، ۱۳۸۳: ۲/۷۸۰). ذکر رودینه^۴، جوال و پلاس در ناحیه موقان دلیل آن است که چراگاه گوسفندان بوده است (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۵۹؛ زریاب، ۱۳۹۰: ۲۰۱/۱). در این منطقه گوسفند برای تأمین پشم، شیر و گوشت نگهداری می‌شد (اشپولر، ۱۳۷۷: ۲۰۶). گاو در شخم زدن

(الف) میوه‌ها: انگورهای متنوع و مویز به وفور در تاکستان‌های اغلب شهرها از جمله ارمیه، اشنه، مراغه و کناره‌های ارس وجود داشت (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۴؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۳). انگورها به رنگ‌های سیاه و سفید، درشت، شیرین و دارای شهرت بودند (ابن‌فقیه، ۱۴۱۶: ۱۷۲). گزارش‌ها حاکی از آن است که بادام و گردو در شهرهای اردبیل و اشنه به عمل می‌آمد و روغن گردو استحصال می‌شد (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۴-۸۵). پرورش گل برای زنبورهای عسل به منظور تولید عسل بیشتر رایج بود (اشپولر، ۱۳۷۷: ۲۰۳). از صیفی‌جات نیز «خریزه آردھری مراغه که مستطیل شکل بود» معروف بوده است (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۴). انار و انجیر نیز کنار رود ارس تولید می‌شد (ابودلف، ۱۳۵۴: ۴۷).

(ب) غلات و حبوبات: آذربایجان به فراوانی خواربار معروف بود. غلات به عنوان غذای اصلی مردم در ارمیه، مراغه و اشنه کشت می‌شد (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۵). دانگوه‌های^۱ خوردنی در موقان به عمل می‌آمد (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۶۵).

(ج) گیاهان صنعتی: در شرایط اقلیمی این منطقه گیاهان صنعتی قابل کشت بودند. روناس به عنوان رنگ‌دانه قرمز در رنگرزی پشم و ابریشم، استفاده گسترده‌ای داشت (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۵۸). ابن‌حوقل با جزئیات بیشتر به کشت رناس در نواحی ورثان نزدیکی رود ارس اشاره می‌کند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۴). هم‌زمان با گسترش صنعت بافندگی، کشت پنبه نیز در این منطقه به خصوص

۲. میان تبریز و بیلقان قرار داشت (یاقوت، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۷۴۲۸). به احتمال جزو آذربایجان بوده است.

۳. این صحرا طولش از برزه تا بردعه است (یاقوت، ۱۳۸۳: ۱۲/۷۸۰).

۴. رودینه احتمالا به معنی انواع زه‌ها باشد و یا سازها که رود دارند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه).

۱. نوعی از غله باشد (خلف تبریزی، ۱۳۴۲ق: ۸۲۰).

زمین به کار می‌آمد. پرورش گاوهایی که در برابر سرمای شدید مقاوم باشند واز عهده شخم زدن زمین‌های سخت برآیند، امری رایج بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۷). مردم آذربایجان از لبنیات گاو استفاده می‌کردند، اما همچون بیشتر مناطق به خوردن گوشت آن براساس توصیه پزشکان تمایلی نشان نمی‌دادند (ابن‌رسته، ۱۸۹۲م: ۱۱۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۱). همچنین مراغه^۱، جنزه^۲ و دشت زوزان^۳ برای پرورش اسب‌های چابک و ستوران اختصاص داشت (بلاذری، ۱۹۸۸م، ۳۲۱؛ ابن‌فقیه، ۱۴۱۶ق: ۵۸۱-۵۸۲؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۴). مسلماً پرورش اسب و استر به‌منظور سواری و باربری در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور آذربایجان ضرورت داشته است.

۳-۴. صنعت

عمده صنایع بر محور کاشت و برداشت محصولات کشاورزی، استحصال معادن، پشم و ابریشم بود. مجموعه این صنایع زنجیره به نسبت کاملی را در قرن چهارم شکل داده بودند که موجب توسعه اقتصادی و رونق تجارت می‌شد. هرچند در منابع این دوره اطلاعات اندکی موجود است (ویلسن، بی‌تا: ۱۴۰-۱۴۱)، اما براساس بررسی‌ها، صنایع مهم به‌قرار زیر است:

صنعت بافندگی: تولید پنبه و پشم در آذربایجان، بافت پارچه‌های کتانی و پشمی را رونق داده بود (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۵۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۳). پشم‌های کار شده این منطقه بعد از پشم‌های مصر شهرت جهانی داشتند (ثعالبی، ۱۸۶۷م: ۱۲۸). واردات پنبه از ری نیز به رونق تولید پارچه‌های کتان در این منطقه کمک می‌نمود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۷۱). همچنین به سبب ممنوعیت صدور پارچه کتان از مصر به سایر نقاط در دوره فاطمی (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۲). هنرمندان آذربایجان از این فرصت استفاده کردند و به تقلید از بافندگان مصری به تولید بیشتر این پارچه اقدام

علاوه بر حیوانات اهلی، حشرات مفیدی مانند زنبور عسل و کرم قرمز که کاربرد درمانی و صنعتی داشتند، در آذربایجان پرورش داده می‌شدند. شهرهای اردبیل، اشنه و ارمیه مرکز پرورش زنبور و تولید عسل بود (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۴۳). در صحرای مرند نیز کرم قرمزی در اواخر بهار پیدا می‌شد و از پيله‌ای که بر گرد خود می‌تیند، رنگ قرمز به دست می‌آمد (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۰). کاربرد کرم‌های قرمز در رنگرزی نخ فرش و پارچه‌های پشمی در این منطقه، شهرت

۱. فرا-ده- اسپه: محل تربیت و چراگاه ستوران بود (زریاب، ۱۳۹۰: ۱/۱۹۸).
 ۲. ابن‌خردازبه فاصله آن را تا مراغه ۶ فرسخ دانسته (۱۸۸۹م: ۱۱۹، ۱۲۱) احتمالاً نزدیک شیز بود.
 ۳. میان آذربایجان و ارمینیه و دیار بکر و موصل است (یاقوت، ۱۳۸۳: ۲/۶۴۰).

رنگ‌دانه‌های قرمز عالی از حشرات و گیاهان صنعتی همچنین پشم مرغوب از گوسفندان (جاحظ، ۱۴۱۰: ۳۴؛ Iranica, 1990: 5/ 834). به عمل می‌آمد. منسوجات آذری و ارمنی در قرن چهارم به خصوص فرش، زیلو، گلیم، متکا و کناره فرش به واسطه وفور و مرغوبیت همین مواد اولیه، شهرت جهانی داشته (علی، بی‌تا: ۱۱۱-۱۱۲). و نزد عام و خاص به انواع دیگر ترجیح داده می‌شد (ثعالبی، ۱۸۶۷م: ۱۳۲؛ مطهرالازدی، ۱۹۰۲م: ۳۶؛ کاراپتیان، ۱۳۹۱: ۲۷). دربار برخی از خلفای عباسی و بزرگان مفروش به فرش ارمنی بود (صابی، ۱۳۹۷: ۸). و بازار بزرگی برای آن ایجاد شده و در مناطق دیگر^۳ مورد اقتباس قرار می‌گرفت. این فرش‌های قرمز، علاوه بر ارمنیه در شهرهایی از آذربایجان، مانند مرند، خوی و تبریز (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۳). نیز بافته می‌شد. آرتور پوپ بر این باور است که شهرهایی از آذربایجان در قرن چهارم دارای تولید گسترده فرش بودند و احتمال دارد که این صنعت مرتبط با ارمنیه بوده باشد، زیرا یکی از شهرهایی که در آن هم زیلو و هم سجاده می‌بافتند «وارتان» نام داشت که اسمی ارمنی است. همچنین فرش زیلوهای طرح ارمنی زیادی نیز در خوی تولید می‌شد (Pope, 1925: 147-158).

خاطرنشان می‌شود، نزدیکی شهرهای آذربایجان و ارمنیه و رونق معاملات تجاری این مناطق با هم (چوکسی، ۱۳۹۳: ۴۸). باعث رشد تولید انواع فرش، قالیچه، سجاده و منخده قرمز شد و ضمن اشتغال مردم در کارگاه‌های

نمودند (مظاهری، ۱۳۴۸: ۳۸۵). این بافته‌ها، مشتری‌های زیادی را به خود جلب کرد و در بازار کولسره عرضه شد (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۸). به تدریج صنعت نساجی در آذربایجان به حدی پیشرفت نمود که بعدها در تبریز «پارچه‌های عبائی، سقلاطون و خطائی^۱ و اطلس بافته و به دیگر شهرهای خاور و باختر فرستاده می‌شد» (یاقوت، ۱۳۸۳: ۷۰۵-۷۰۶). علاوه بر پارچه بافی، جامه‌های محلی از جمله شلوار و بند شلوار بی‌نظیری در سلماس که از نظر قیمت و جنس متنوع بود، بافته می‌شد (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۲). همچنین جامه‌های برد (نوعی کتان) در اردبیل، قطفیه در برزند، پشمین در مرند و پرده و برقع در بیلقان شهرت داشته است (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۵۸-۱۵۹).

صنعت فرش: تولید فرش از دیرباز به خصوص فرش‌های ابریشمی و زربفت در آذربایجان رونق داشته است (UNESCO (ITH/10/5.COM, 2010: 11; Jacobsen, 1931: 85-90). قالی‌های بافت آذربایجان در قرن چهارم به «قالی‌های ارمنی» مشهور و رنگ زمینه آنها قرمز بود (مظاهری، ۱۳۴۸: ۳۸۹).

در مناطق وسیعی از آذربایجان، اران و ارمنیه

۱. سقلاطون نوعی پارچه ابریشمی زردوزی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه) و خطائی نوعی پارچه از ابریسک و کمخائی خطائی است (همان: ذیل واژه)

۲. واژه عربی قالی در زبان ترکی تبدیل به هالی شد، در زمان هجوم سلجوق‌ها (سده یازدهم میلادی) برای توصیف فرش‌های ارمنی به کار می‌رفت. پوپ معتقد است که این کلمه از نام شهر ارمنی کالی کالا (قالی قلعه) که امروزه ارزرم نامیده می‌شود، آمده

است (رک: Survey of Persian handicraft)

۳. اهواز و اسیوط مصر (یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۱۵۸، ۱۷۰).

آران^۴ و اسفندویه^۵ و زاج سرخ معروف به «یمنی» در بذا^۶ می‌باشد (ابودلف، ۱۳۵۴: ۳۶-۴۶) که موجب رونق تولید ابزار زرین و سیمین شده بود (ابن-حوقل، ۱۳۶۶: ۹۴؛ پوپ، بی‌تا: ۳۱).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که صنایع چوبی نیز در آذربایجان وجود داشته است. تولید انواع ظروف چوبی از خلنگ^۷ در کوه‌های نزدیک اردبیل (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۳) و انواع چوب در شهر خوی (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۶۰)، ساخت، تعمیر و نگهداری آسیاب‌های بزرگ بر روی نهرها و رودخانه‌ها در شهرهای آذربایجان از جمله سره و بیلقان و کشتی‌های بزرگ و کوچک بادبانی در دریاچه ارمیه به منظور حمل کالا و مسافرحاکی از رونق این صنعت بوده است (ابودلف، ۱۳۵۴: ۴۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۷، ۹۸).

۵. تجارت

تمام ارکان اقتصاد به رکن اساسی آن یعنی تجارت وابسته است. در این دوره موقعیت استراتژیک آذربایجان، وجود راه‌ها، آبادانی شهرها، بازارها و نظام پولی موجبات گشایش اقتصادی و رونق تجارت با سایر ایالت‌ها را فراهم آورد. لازم به ذکر است، باتوجه به حضور

ریسندگی، رنگرزی و بافندگی، درآمد خوبی حاصل می‌شد. همچنین یکپارچه بودن حاکمیت سیاسی و تقسیمات دیوانی این مناطق در قرن چهارم می‌توانست باعث اشتها فروش‌های تولید شده به یک نام باشد.

در این دوره به تولید فرش‌های ارغوانی معروف در تبریز و شهرهای ارمینیه نیز اشاره شده است (کاراپتیان، ۱۳۹۱: ۱۳).

صنایع فلزی و چوبی: از صنایع فلزی آذربایجان در قرن چهارم اطلاعات پراکنده‌ای در دست است، اما وجود معادن سنگ آهن در سبلان و گنزک و استحصال آنها (Ismailov, 2017, 96) می‌تواند تأییدی بر رونق صنعت فولاد در منطقه باشد. به‌طوری که آذربایجان را یکی از مراکز عمده فولاد دانسته‌اند (مظاهری، ۱۳۴۸: ۳۶۷). همچنین با توجه به رونق کشاورزی و کاربرد گاوآهن در شخم زدن زمین‌های زراعی به احتمال فولاد در ساخت ادوات کشاورزی به کار می‌رفته است.

دلایل دیگری که وجود صنایع فلزی را در آذربایجان تأیید می‌کند، استخراج بوره صنعت^۱ از ساحل دریاچه ارمیه و معادن فلزات گرانبها از جمله طلا^۲، نقره، جیوه، سرب و زرنیخ^۳ در شیز،

۴. شاید همان روان رود باشد. شهری در ۴ فرسخی مراغه که با

شیز یک‌جا آمده است (زریاب، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

۵. منطقه‌ای بین آذربایجان و طارم (ابودلف، ۱۳۵۴: ۴۵).

۶. شهری در آذربایجان نزدیک اران که محل تولد بابک بود (یاقوت، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۹۰).

۷. نوعی درخت که از آن تیر، کمان، کاسه و قدح می‌سازند (نفیسی، ۲۵۳۵: ۲/ ۱۳۹۵).

۱. دارویی که طلا و نقره و مس و برنج را جوش دهند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه).

۲. سه نوع طلا از معادن شیز به‌دست می‌آمد: قومی، شهری، سجابدی (ابودلف، ۱۳۵۴: ۳۶-۴۶).

۳. جسم معدنی مرکب از گوگرد و آرسنیک که معمول کیمیاگران است (نفیسی، ۲۵۳۵: ۳/ ۱۷۵۶).

۱۶۱). به سبب قدرت‌طلبی حاکمان محلی، مسیرهای مواصلاتی از امنیت چندانی برخوردار نبودند و کاروان‌های تجاری، هرازگاهی طعمه راهزنان می‌شدند. در گزارش جغرافی‌نویسان و سیاحان به سه مسیر اصلی ارتباطی در آذربایجان اشاره شده که در جابجایی کالا نقش مهمی را عهده‌دار بودند:

مسیر اول: جاده ابریشم است که پس از عبور از خراسان و ری در دو مسیر امتداد می‌یافت. راهی که به سمت شمال منشعب می‌شد، به عنوان «شاه‌راه بزرگ شمالی» معروف بود. این راه پس از گذشتن از شهرهای ایالت جبال، وارد آذربایجان شده و پس از عبور از میانه، سرراه، تبریز، مرند و خوی به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شد: شاخه اول به سمت شمال می‌رفت و به اران می‌رسید و شاخه دوم از خوی و از طریق جاده قطور به ارمینیه وارد و به برکری منتهی می‌گردید. از طریق این شاخه دوم بود که کاروان‌ها و مسافران از طریق وان و اخلاط به جزیره وارد می‌شدند (نقشه راه‌ها). ناصرخسرو نیز در سفر به وان و سطا به جزئیات این مسیر اشاره می‌کند (ناصرخسرو، ۱۳۴۱: ۸). همچنین کسانی که قصد روم و فرنگ را داشتند از برکری به سمت ارجیش^۲ ادامه مسیر داده و پس از گذر از چند شهر، وارد روم می‌شدند. این جاده علاوه بر برقراری ارتباط آذربایجان با سرزمین‌های مجاور، امپراطوری روم شرقی را به ایران و چین وصل می‌کرد (شجاع دل، ۱۳۸۵: ۶۱).

اقوام مختلف در آذربایجان و رونق تجاری در قرن چهارم مردم منطقه جهت داد و ستد و رفع نیاز روزمره تاحدودی به زبان‌های هم آشنا بودند^۱. اما به دلیل سکونت اعراب در منطقه و مالکیت زمین‌های وسیع در آذربایجان توسط آنان زبان عربی در بین تجار و زمین‌داران به کار می‌رفت. ابن‌حوقل می‌گوید:

عربی نیز در میان ایشان مستعمل است و در این میان کم‌اند که فارسی سخن بگویند ولی عربی نفهمند لکن در عربی، بعضی تجار و زمین‌داران فصیح‌ترند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۶).

۵-۱. راه‌های ارتباطی آذربایجان و اهمیت آن

در تجارت کالا

راه‌ها رگ‌های حیاتی تجارت و عامل گسترش تعاملات اقتصادی بین سرزمین‌های دور و نزدیک‌اند. حکومت‌ها به منظور اعمال نفوذ سیاسی، توسعه اقتصادی و تعیین قیمت کالاها اهتمام جدی به توسعه و حفظ امنیت راه‌ها دارند. آذربایجان چهار راهی برای عبور ملل و تجارت بوده است (واندنبگ، ۱۳۴۵: ۱۱۴). وجود راه‌های ارتباطی متعدد، کاروانسراها و قرار گرفتن در سرحدات سرزمین‌های اسلامی، همجواری با ارمنستان در شمال و امپراطوری روم شرقی در غرب و ارتباط با بنادر اطراف دریای خزر از طریق باب‌الابواب سبب می‌شد که اوضاع اقتصادی و تجاری آذربایجان از رونق برخوردار باشد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۴؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۵-)

۱. زبان‌ها و گویش‌های محلی از جمله آذری معمول بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۵).

۲. از شهرهای ارمینیه می‌باشد (یاقوت: ۱۳۸۰: ۲۰۰/۱).

(مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۴). عتبه بن فرقد از طریق موصل و این مسیر شهرهای ارمیه، خوی و سلماس را فتح سپس روانه اردبیل شد (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۴۲۷-۴۲۹).

راه‌های مذکور، چهارراه ارتباطی تجاری و فرهنگی در آذربایجان بودند که مناطق و ایالت‌های شرقی را به اران و روسیه در شمال، روم و فرنگ در غرب و جزیره در جنوب و بالعکس وصل می‌نمودند.

علاوه بر راه‌های مذکور، وجود دو راه داخلی در آذربایجان که از زمان ساسانیان به دلیل وجود آتشکده آذرگشنسب، اهمیت مذهبی ویژه‌ای به منطقه شیز داده بود. مورد توجه جغرافی‌نویسان بوده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۱؛ ابن‌خردادبه، ۱۸۸۹م: ۱۲۱). که می‌توانست نتایج اقتصادی قابل توجهی داشته باشد.

۲-۵. بازارهای آذربایجان

بازار^۱ از همان ابتدا در تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشت، اما از قرن سوم هجری با توسعه سریع بازرگانی، تولیدات علمی و صنعتی، قدرت گرفتن حکومت‌ها و دولت‌های اسلامی، نقش مهمی در رونق داد و ستد داخلی و خارجی پیدا کرد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۱).

در قرن چهارم بازارهای منطقه آذربایجان متنوع و پرسود بودند. عرضه مازاد تولیدات بخش کشاورزی، دامی و صنعتی، تبادل پول و کالا بین اقوام و ملل مختلف، کاربرد سکه‌های طلا و نقره

مسیر دوم: همان جاده ابریشم بود که این بار از زنجان منشعب و پس از طی شهرهای خونج و خلخال در اردبیل به دو شاخه تقسیم می‌شد. یک شاخه به سمت تبریز می‌رفت و شاخه دیگر وارد منطقه موقان شده و پس از طی شهرهای برزند، باجروان و بیلقان وارد اران می‌شد. یعقوبی این مسیر را به عنوان راه ارتباط با آذربایجان دانسته و اردبیل را به عنوان اولین شهر ذکر می‌کند و با محوریت اردبیل مسافت شهرهای دیگر آذربایجان را می‌سنجد (یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۷۸؛ ابن‌رسته، ۱۸۹۲م: ۲۷۱-۲۷۲). ابن‌خردادبه، راه مذکور به آذربایجان را از زنجان به مراغه، میانه، اردبیل و در نهایت تا ورثان می‌داند (ابن‌خردادبه، ۱۸۸۹م: ۹۷). بنابراین کاروان‌های ورودی به آذربایجان از مسیر جاده ابریشم می‌توانستند به سه شهر اردبیل، تبریز و یا مراغه برسند. شهرهایی که به واسطه این شاهراه به هم متصل می‌شدند، تجارت کالای پرومقی داشتند. برای فتح بخش‌های شمالی آذربایجان مسلمانان از این مسیر به اردبیل لشکر کشیدند (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۴۲۷).

مسیر سوم: از جاده ابریشم که به سمت بغداد می‌رفت، در نزدیکی سیسر منشعب و پس از عبور از شهر بَرزَه واقع در جنوب مراغه به دو شاخه تقسیم می‌شد: شاخه سمت راست در جهت شمال شرقی به مراغه و تبریز می‌رفت و شاخه سمت چپ در امتداد غربی دریاچه ارومیه پس از عبور از شهر ارومیه و سلماس به خوی می‌رسید (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۴۸). بدین ترتیب دریاچه ارومیه با کشتیرانی فعال و راه‌های اصلی در اطرافش زمان حمل کالا و مسافر را به یک چهارم تقلیل می‌داد

۱. منطقه‌ای معین در دست افراد خاص که به تناسب حرفه‌خویش و عرضه و تقاضایی که در آن دادوستد می‌کنند (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۷).

می‌داد. بازار ارمیه کمی پیشرفته‌تر، دارای راسته‌های منظم و مستقف مخصوص به هر صنف بود که نشانه شکل‌گیری تشکیلات صنفی و تجاری اصناف بوده است. مسجد جامع در میان راسته بزازان قرار داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۴).

علاوه بر بازارهای دائمی، مراکز تجاری منطقه‌ای و ثابتی در ورثان و شهر بزرگ برزئند وجود داشت (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۵۱). این دو شهر، بارانداز (بارکده) کالاهای این منطقه محسوب می‌شدند و اهمیت اقتصادی و تجاری ویژه‌ای داشتند. به روایت مقدسی از تمام نقاط مجاور، کالاها را برای صدور در آن مراکز جمع می‌کردند. مسلمانان و مسیحیان در برزئند با هم جمع بودند و ارمنیان و کردها در قرن چهارم بر آن تسلط داشتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۷۸). با توجه به رفت و آمد تجار امکانات رفاهی مانند مسافرخانه و گرمابه برای اقامت آنها بنا شده بود (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۸).

ب) بازارهای موقت

یکی دیگر از بازارهای که در منابع از آن یاد شده، بازار دام کورسره است که اول هر ماه در دوازده فرسخی مراغه^۱ برپا می‌شد (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۸). وجود راه بزرگ شمالی و عبور کاروان‌های تجاری از این مسیر موجب رونق بازار دام و احشام شده و سود سرشاری را نصیب تاجران و دامپروران می‌کرد (ابن‌رسته، ۱۸۹۲م: ۱۶۱). ابن‌حوقل در اهمیت و رونق تجارت دام در این بازار آورده

در معاملات بازاریان و تاجران به اقتصاد منطقه، جان تازه‌ای می‌بخشید. این امرحاکمی از رونق بازار و سود سرشار بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۰).

همانند دیگر سرزمین‌های اسلامی بازارها در وسط شهر و یا در محدوده آن برپا می‌شد. شهرها دارای یک بازار اصلی و حسب اندازه، یک یا چند بازار محلی و ناحیه‌ای بودند (بازار ایرانی، ۱۳۸۸: ۱۳). سرما و بوران در منطقه عامل مهمی در نحوه ساخت بازارها بود، زیرا باید طوری طراحی می‌شدند که در فصل زمستان، دما و نور لازم تأمین می‌شد و تبادل کالا و سایر فعالیت‌های مرتبط با تجارت به راحتی صورت می‌گرفت (قبادیان، بی‌تا: ۱۸۶-۱۸۸). بازارها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف) بازارهای دائمی

در اغلب شهرها و مناطق مهم آذربایجان بازارهای دائمی وجود داشت. جغرافی‌نویسان در توصیف برخی شهرها مانند ارمیه، سلماس، مرند و اردبیل به محل قرارگیری بازار در وسط شهر و کنار مسجد که برگرفته از الگوی اسلامی بود، اشاره می‌کنند. بازار اصلی اردبیل به شکل صلیب بود که مسجد جامع شهر در وسط آن و در چهار راه قرار گرفته بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۰). حضور تعداد زیادی نصاری و اصناف ارمنی در اردبیل و تسلط مردم به زبان ارمنی (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۰). حاکی از ارتباط نزدیک پیروان ادیان در منطقه آذربایجان و ارتباط تجاری آنها با هم بوده است که این نزدیکی تأثیر خود را در کالبد شهری با بازاری به شکل صلیب و مسجدی در وسط آن و گفتگو به زبان هم و رونق امر تجارت را نشان

۱. فاصله کولسره از مراغه ده فرسخ است (اصطخری، ۱۳۴۰:

۱۱۶؛ کاتب بغدادی، ۱۳۷۰، ۶۵).

است:

عطر، جِلّ، کالای سرآجان، زین و شمشیر، زین پوش، دوال مراغه‌ای، سلاح جنگی و آلات روئین که از عراق آورده می‌شد و ابزار زرین و سیمین که توسط زرگران ساخته می‌شد، در این بازار معامله می‌شده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۹۸).

در آشنه نیز در اوقات معینی از سال بازارهای فصلی بزرگ تشکیل می‌شد. این بازارها که برای تجارت دام، ستوران، میوه و غلات بود بسیار سود بخش بوده و منافع فراوانی داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۵، ۹۸).

در نزدیکی سرحدات آذربایجان، بازارهای هفتگی و فصلی نیز برپا می‌شد. این بازارها در نوع خود به دلیل تأثیرگذاری بر اقتصاد آذربایجان پراهمیت بودند. در بعضی از آنها همه نوع جنس معامله می‌شد و در برخی دیگر محصولات و کالاهای مشخصی در معرض خرید و فروش قرار می‌گرفت. بازار بین المللی برزعه^۲ در منطقه باب الاکراد به نام «کُرکی بازار» روزهای یکشنبه برپا می‌شد. مردم منطقه در شمارش ایام هفته به جای یکشنبه «کرکی» می‌گفتند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۶). این بزرگ‌ترین بازار هفتگی ایریشم و پارچه در منطقه بود و مردمانی از عراق و خوزستان در آن جمع می‌شدند و سود زیادی می‌بردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۰۵). در این بازار علاوه بر حضور بازرگانان آذربایجان، کالاهای فروخته شده به سایر بلاد از طریق آذربایجان ترانزیت می‌شد.

از جمله بازرگانانی که در کورسره اقامت داشت، ابواحمد بن عبدالرحمن شیزی مراغی بزرگ بازرگانان آذربایجان بود... کاتبش ابوالفتح بن مهدی به وی گفت که ابواسحاق ماجردانی گوسفندان خود را فروخت و برگشت و آنچه متعلق به ما بود نیاورد. پرسید چقدر فروخت؟ جواب داد: صد هزار رأس من چند بار از ابو احمد استفسار کردم وی گفت: شگفتی ندارد مرحوم پدرم در آن بازار مکرر یک میلیون گوسفند به فروش رسانیده بود، فروش شعیب بن مهران هم همان اندازه بود. آن‌گاه داستان‌هایی درباره آن بازار به من گفت که همه پیش از روزگار یوسف بن ابی‌الساج بود... (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۹۸).

بنابراین بازار کورسره به عنوان شهرک تجاری محسوب می‌شد و امکان عرضه انبوه دام در یک زمان کوتاه را فراهم می‌کرد. به طوری که یک نفر می‌توانست صدهزار تا یک میلیون گوسفند را در آن معامله کند (زریاب خویی، ۱۳۹۰: ۱/۲۰۰). همچنین این گزارش حاکی از وجود تشکیلات اصناف و بازرگانی در منطقه دارد.

دامداران و کوچرویان کوه‌های سهند و سبلان از آنجا به شهرهای مرکزی و غربی ایران گوسفند و دام صادر می‌کردند. این بازار محوطه‌ای پهناور و قصری بزرگ داشت. طبق استنباط از روایت ابن حوقل احتمالاً قبل از حکومت یوسف بن ابی‌الساج از رونق زیادی برخوردار بوده است.

علاوه بر دام، انواع کالاهای تجاری از قبیل، پارچه‌های کتان، کالاهای گران قیمت هندی،

۱. پوشش ستوران (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه)

۲. برزعه جزء شهرهای آذربایجان ذکر شده است (ابن‌رسته،

۱۸۹۲م: ۲۷۱؛ یعقوبی، ۱۴۲۲م: ۷۹).

۳-۵. نظام مالی و پولی

اخذ مالیات از ایالت‌ها یکی از راه‌های مهم درآمد حکومت اسلامی بود. مالیات آذربایجان تا اواخر قرن سوم مبلغ قابل توجهی بود که توسط والیان خلفای عباسی با وجود نارضایتی مردم اخذ می‌شد.^۱ در دوره حکومت ساجیان (۲۷۶-۳۱۸ق) که خلیفه عباسی حاکم مطلق آذربایجان نبود، حکمرانان محلی در اخذ مالیات با مردم مدارا می‌کردند و به نظر می‌رسد خلفا نیز برای حفظ سیادت ظاهری خود به دریافت میزان کم مالیات راضی بودند. با این حال، گاهی مالیات مورد توافق در اثر تیرگی روابط سیاسی و استقلال طلبی ساجیان به بغداد ارسال نمی‌شد. به عنوان مثال در سال ۲۸۵ق محمد بن ابی‌الساج (م: ۲۸۸ق) پس از پیروزی در ارمنستان و آذربایجان از ارسال مالیات خودداری کرد. یوسف بن ابی‌الساج (م: ۳۱۵ق) نیز مالیات سالیانه توافق شده به میزان ۱۲۰/۰۰۰ دینار را به بهانه اینکه آذربایجان تیول اوست به بغداد ارسال نکرد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق: ۸ / ۵۴-۵۵؛ مسکویه، ۱۴۲۴: ۶۵/۵) اختلاف حاکمان با دستگاه خلافت بر سر میزان مالیات و جنگ‌های مستمر باعث وصول مالیات کمتری می‌شد و این در بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم مؤثر بود.

اما در دوره سالاریان (۳۳۰-۳۷۰ق) با توجه به اینکه «سراسر آذربایگان و اران و ارمنستان تا

دربند و شروان زیر فرمانروایی او [سالارمرزبان] آمده و در همه شهرها خطبه به نام او می‌خواندند و همه فرمانروایان بومی ولایت فرمانبری و باجگزاری وی را پذیرفتند» (کسروی، ۱۳۸۴: ۷۴). مالیاتی به بغداد ارسال نمی‌شد. اما وی دیوان‌های مالیات را در منطقه بر پا نمود و دستور داد تا بدهی پادشاهان بومی را همراه با سود آن به دقت محاسبه کنند. ابن‌حوقل اطلاعات مهمی از اخذ باج‌ها و خراج‌های این دوره ارائه می‌دهد. وی حد متوسط و عادلانه‌ترین باج را متعلق به سال ۳۴۴ق می‌داند. مجموع باجی که بر اساس قراردادها اخذ می‌شد ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ درهم و خراج (مالیات) نواحی سه‌گانه ۵۰۰/۰۰۰ دینار بوده است (ابن-حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۰-۱۰۱).

با مقایسه میزان مالیات دریافتی والیان خلیفه در قرن سوم که عمدتاً محدود به آذربایجان بود به میزان چهارونیم میلیون درهم (کاتب بغدادی، ۱۳۷۰: ۱۶۳) با مالیات شش و نیم میلیون درهم (۵۰۰/۰۰۰ دینار)^۲ که از نواحی سه‌گانه آذربایجان، ازان و ارمنیه اخذ می‌شد، می‌توان استنباط کرد که سالار مرزبان هم در دریافت مالیات از مردم به میزان کم قانع بود و این موضوع به رونق تولید و تجارت کمک می‌نمود. اما جانشین وی، ابراهیم بن سالار (م: ۳۷۰ق) که فردی ضعیف و نالایق بود برای رسمیت دادن به حکومت خود به پرداخت ۲۰۰۰/۰۰۰ میلیون درهم مالیات به دستگاه خلافت

۱. در سال ۲۰۳ق ۴/۵۰۰/۰۰۰ درهم (کاتب بغدادی، ۱۳۷۰: ۱۶۲) و در سال ۲۳۱ق ۲/۰۰۰/۰۰۰ درهم (ابن‌خرداذبه، ۱۸۸۹م: ۱۲۱؛ ابن‌فقیه، ۱۴۱۶ق: ۱۲۹) و در سال ۲۷۸ق ۴/۰۰۰/۰۰۰ درهم بود (یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۳۸).

۲. در قرن چهارم هر دینار معادل ۱۳ درهم بوده است (اشپولر، ۱۳۷۷: ۳۳۰).

یوسف بن دیوداد ساجی در سال ۳۰۳ ق در ارمینیه سکه‌ای از جنس طلا، ضرب کرد و روی این سکه، هیچ فرقی با دینارهای عباسی این دوره نداشت، اما پشت سکه علاوه بر نام خلیفه، نام امیر ساجی نیز نقش بسته بود (مایلز، ۱۳۷۹: ۴/۳۲۴).

سالاریان نیز سکه‌خانه‌هایی در آذربایجان، اردبیل، بردعه، مراغه و ارمینیه داشتند. سال ۳۴۳ ق به نام وهسودان بن محمد دره‌می ضرب کردند که بر روی آن «سیف آل محمد» و اسامی امامان اسماعیلی نقش شده بود (مادلونگ، ۱۳۷۹: ۴/۱۹۸) اما با وجود گسترش استفاده از سکه‌ها در تجارت از صرافی‌ها در این منطقه گزارشی ارائه نشده است.

در این دوره علاوه بر سکه‌های محلی، سکه‌های پایتخت و بلاد دیگر از جمله دائق لبنان در آذربایجان رایج بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۳). هرچند ضرب سکه نشانه اعلام استقلال سیاسی بود، اما داد و ستد با این سکه‌ها باعث رونق تجارت در بازارهای منطقه شده بود. معامله با سکه‌های زر و نقره در آذربایجان رایج بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۰) که نشانه رونق اقتصادی بوده است.

عباسی متعهد شد. با توجه به ثروت آذربایجان، این مقدار نیز برای دستگاه خلافت مطلوب نیامد به همین دلیل ابن‌العمید (م ۳۶۰ ق)^۱ ضمن متهم کردن وی به ناتوانی و ولنگاری به رکن‌الدوله (م ۳۶۶ ق) پیشنهاد کرد که شخصاً در سال ۳۵۵ ق اداره آذربایجان را به عهده گیرد تا سالیانه ۵۰ میلیون درهم مالیات از مردم منطقه اخذ نماید (مسکویه، ۱۴۲۴ ق: ۵/۳۵۰).

یکی دیگر از راه‌های درآمد حاکمیت در این دوره اخذ عوارض گمرکی بود. در آذربایجان درآمد گمرک خونج سالیانه ۱۰۰۰/۰۰۰ دینار، به‌صورت دائم بوده است که گاهی تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ درهم نیز افزایش می‌یافت. شاید مبالغه‌آمیز باشد، اما بنا به قول ابن‌حوقل در سراسر دنیا چنین درآمدی نظیر نداشت (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۹). در منابع به میزان عوارض گمرکی در آذربایجان اشاره نشده احتمالاً برابر سایر بلاد اسلامی بوده است.

ساجیان در دوره حاکمیت خود در سکه‌خانه‌های آذربایجان که مقر حکومتشان زمانی اردبیل و گاهی مراغه بود و نیز در اران، ارمینیه، بردعه و مدت کوتاهی نیز در المحمدیه (ری) به ضرب مسکوکات زرین و سیمین می‌پرداخته‌اند (مایلز، ۱۳۷۹: ۴/۳۲۴).

محمد بن ابی‌الساج (۲۶۶-۲۸۸ ق) پس از پیروزی در ارمنستان و آذربایجان، در سال ۲۸۵ ق در شهر بردعه به ضرب سکه اقدام نمود. همچنین



تصاویر سکه‌های ساجیان

(تاریخ ایران کمبریج - مایلز، ۴/ تصویر ۲۷، ش ۱)

۱. ابن‌العمید وزیر رکن‌الدوله حاکم موصل بود. برای مطیع کردن ابراهیم سالار به آذربایجان لشکر کشید (مسکویه، ۱۴۲۴ ق: ۵/۳۵۰).

۶. صادرات

با گسترش تجارت و سفرهای تجاری به ری، یمن، کرمان، رم و عراق زمینه توسعه صادرات و واردات در آذربایجان فراهم شد. صادرات عمدتاً شامل محصولات دامی، کشاورزی، فرش، منسوجات و فلزات گرانبها می‌شد. این محصولات از طریق کاروان‌های تجاری به انبارها و مراکز تجاری سایر بلاد از جمله انبارهای شهرک قُمادین در نزدیکی جیرفت (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۶۹). مراکز تجاری ری (ابن‌فقیه، ۱۴۱۶ق: ۵۴۰؛ ادیسی، ۱۴۰۹ق: ۶۸۰/۲). و شهر موصل در عراق ارسال می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۹۳). صادرات آذربایجان را می‌توان به چهار گروه تقسیم‌بندی کرد:

۱. صادرات دام به‌صورت انبوه از شهر اشنه به موصل، جزیره و به سایر بلاد، انجام می‌شد و اسب‌های پرورش یافته در بازار بین‌المللی کول‌سره عرضه می‌شد و مورد تقاضای تاجران بود که از جاده ابریشم عبور می‌کردند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۵، ۹۸؛ نظری، ۱۳۹۴: ۲۵). صادرات آبریان هم تجارت پرسودی داشت مانند ارسال انواع ماهی لذیذ و مطبوع از جمله دو ماهی به‌نام‌های دراقن و قشوبه به نواحی ری و عراق (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۸۷)؛ و عسل و موم برای ساخت شمع و روشنایی به مقدار زیاد به سایر نقاط (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۵۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۴).
۲. دسته دیگر از کالاهای صادراتی فرش، قالی و منسوجات بود. فرش‌های این منطقه در سراسر جهان اسلام شناخته شده و مشتریان فراوانی داشت حتی به خلفا نیز اهدا می‌شد (مطهرالزیدی،

۱۹۰۲م: ۳۶). پشم، ابریشم تولید شده پارچه‌های قرمز، لباس‌های پشمی به خوزستان و پارس و سایر بلاد صادر می‌شد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۸؛ مطهرالزیدی، ۱۹۰۲م: ۱۲۸). رنگ‌دانه‌های قرمز که در رنگ کردن لباس‌ها از رناس و کرم قرمز به دست می‌آمد به گرگان و بلاد هند و جاهای دیگر می‌رفت (متز، ۱۳۶۴: ۴۹۶؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۴).

۳. از صادرات غلات و میوه گزارش زیادی در دست نیست، اما با توجه به فراوانی میوه در آذربایجان که مورد اشاره اغلب منابع بوده، احتمالاً صادرات میوه به صورت خشکبار بوده است. یکی از محصولات اصلی کشاورزی در آذربایجان انگور بود که به روش خاص به یمن صادر می‌شد. ابن‌فقیه می‌گوید:

از کوهستان‌های ارمنستان و آذربایجان خان‌های بزرگی از تنه تاک کهنسال می‌آوردند که محیط آن به بیست و پنج می‌رسید (ابن‌فقیه، ۱۴۱۶ق: ۱۷۱).

از ارسال خواربار و غلات به بغداد و واسط نیز گزارش‌هایی در دست است (یاقوت، ۱۳۸۳: ۸/۱). (۵۸۹).

۴. صادرات محصولات صنعتی چون بوره رنگرزان (بوره صنعت) از ارومیه به همه جای دنیا؛ و نیز ارسال ابزار زرین و سیمین، مواد معدنی و فلزات گرانبها مانند طلای سجاپذی شیز به اصفهان جهت ساخت انگشتر. زاج سرخ بد به یمن و واسط برای رنگرزی پشم‌ها و نمک استحصال شده از دریاچه ارومیه به سایر بلاد صادر می‌شد (ابودلف، ۱۳۵۴: ۳۹، ۴۶،

توسعه شهرنشینی صنایع فلزی، چوبی، بافندگی، فرش، فلزات گرانبها رونق بیشتری گرفت و توسعه اقتصادی و تجاری آذربایجان در میان مشکلات و منازعات توانست جایگاه مهمی را در شکوفایی اقتصادی تمدن اسلامی کسب کرد.

۴۸) و ظروف چوبی مانند بشقاب و سینی نیز از «خلنج» صادر می‌شد (باقوت، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۸۲). کالاهایی مثل دوال مراغه‌ای، جلّ وکلای سرآجان که آلات مخصوص اسب و نگهداری آن بود به مناطق دیگر می‌رفت (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۵، ۹۸).

منابع

آلیاری، حسین (۱۳۶۳). «نام شهرها و وضع راه‌های آذربایجان در قرون نخستین اسلامی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. دوره ۳۲، شماره ۱۳۲. ص ۸۳-۱۰۰.

ابن‌اثیر، علی‌بن‌محمد (۱۳۸۶ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.

ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن‌حوقل ایران در صوره الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.

ابن‌خردادبه، عبیدالله (۱۸۸۹م). *المسالك والممالک*. لیدن: مطبعه بریل.

ابن‌رسته، احمدبن‌عمر (۱۸۹۲م). *اعلاق النفیسه*. لیدن: مطبعه البریل.

ابن‌فقیه، احمدبن‌محمد (۱۴۱۶م). *البلدان*. محقق: یوسف هادی، بیروت: عالم‌الکتب.

ابودلف، مسعود بن مهلهل (۱۳۵۴). *سفرنامه*. تحقیق ولادیمیر مینورسکی. ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی. تهران: زوار.

ادریسی، محمد بن محمد (۱۴۰۹م). *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*. بیروت: دارصادر.

اشپولر، برتولد (۱۳۷۷). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. ج ۲. ترجمه مریم میر احمدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

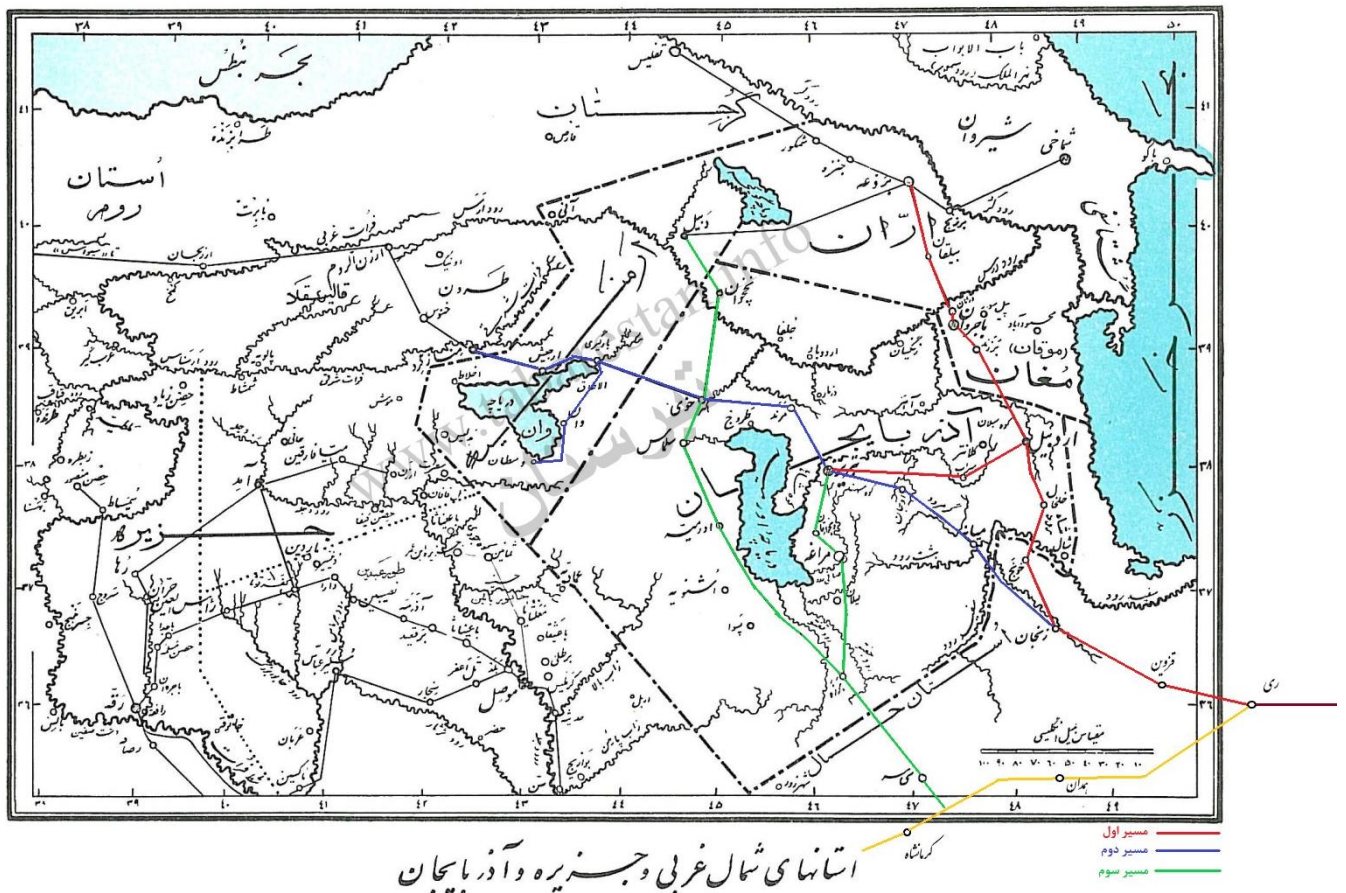
اصطخری، ابواسحق‌ابراهیم (۱۳۴۰). *مسالك و ممالک*. به اهتمام ایرج افشار. تهران: بنگاه نشر و ترجمه.

۷. نتیجه

آذربایجان با قرار داشتن در سرحدات شمال‌غربی ایران، به‌عنوان چهارراه ارتباطی ملل، موقعیت مهمی را در گسترش تجارت دارا بود. اما در قرن چهارم ق به‌دلیل ناآرامی‌های داخلی و جنگ با دشمنان خارجی، از این موقعیت استراتژیک در توسعه اقتصادی بهره‌برداری نشد. حاکمان نیز برای کسب قدرت در پی تنظیم روابط با دستگاه خلافت قدرت بودند. با این حال تعامل ادیان و اقوام در منطقه، شکل‌گیری تشکیلات اصناف و بازرگانان، عدم سخت‌گیری حاکمان بر مردم، شرایط اجتماعی و اقتصادی بهتری را نسبت به قبل رقم زد. مردم با تحمل شرایط سخت ناشی از فشار جنگ‌های داخلی و خارجی، ضمن بازسازی شهرها و روستاها با سخت‌کوشی، اقدام به تولید انواع محصولات کشاورزی و دامی در بستر حاصلخیز آذربایجان نمودند. در این دوره با رونق بازارها و مراکز تجاری و اقامتی در اغلب شهرها و برقراری امنیت در راه‌ها و گسترش کاروانسراها بار دیگر کاروان‌های تجاری از سایر بلاد به آذربایجان گسیل شدند و این منطقه مرکز تجمع بازرگانان شد و تجار آذربایجان با ارسال کالا به کرمان، عراق، یمن، ری، گرگان، هند و... صادرات محصولات را رونق بخشیدند. همچنین با

- افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد (۱۳۲۶). *تاریخ افضل*. مصحح مهدی بیاتی. تهران: دانشگاه تهران.
- بازار ایرانی*. تهران: دفتر معماری و طراحی شهرسازی. ۱۳۸۸.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸م). *فتوح البلدان*. بیروت: دار و مکتب الهلال.
- ثعالبی، ابی منصور عبدالملک بن محمد (۱۸۶۷م). *لطائف المعارف*. ویراستار پروفیسور پی دی جونگ. لیدن: بریل.
- جاحظ، ابی عثمان عمرو (۱۴۱۴ق). *التبصر بالتجاره*. قاهره: مکتبه الخانجی.
- چوکسی، جمشید گرشاسب (۱۳۹۳). *ستیز و سازش*. مترجم نادر میر سعیدی. چاپ هفتم. تهران: ققنوس.
- حدودالعالم من المشرق الى المغرب*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: طهوری. ۱۳۶۲
- خلف تبریزی، محمد بن حسین (۱۳۴۲). *برهان قاطع*. به اهتمام محمد معین. چاپ دوم. تهران: رشدیه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. به کوشش محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- دهقان، علی (۱۳۴۳). *سرزمین زرتشت*. تهران: ابن‌سینا.
- رجبی، آزیتا (۱۳۸۶). *ریخت‌شناسی بازار*. تهران: آگاه.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۶۸). *آذربایجان در سیر تاریخ*. تبریز: انتشارات نیما.
- زریاب، عباس (۱۳۹۰). «آذربایجان». *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۰). *بازارهای ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران.
- شجاع‌دل، نادره (۱۳۸۵). «پژوهشی پیرامون جاده ابریشم و کاروانسرای این مسیر در شمال غرب». *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تاریخی*. دانشگاه
- فردوسی مشهد، شماره ۱۱ و ۱۲. ص ۵۵-۷۲.
- شعار، جعفر (۱۳۷۷). «ابن‌حوقل». *دانشنامه جهان اسلامی*. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- صابی، هلال بن محسن (۱۳۹۷). *رسوم دارالخلافه*، ترجمه محمد رضا شفیعی تهران: کارنامه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). *تاریخ الطبری: تاریخ الامم والملوک*. بیروت: مؤسسه عزالدین.
- علی، صالح احمد (بی تا). *المنسوجات و الألبسه العربیه فی العهود الاسلامی اولی*، بیروت: شرکه المطبوعات لتوزیع و نشر.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۹). «عوامل موثر بر فرآیند حکومت ساجیان با خلافت عباسی». *فصلنامه تاریخ اسلام*. پیاپی ۴۲-۴۱. ص ۲۲۹-۲۵۳.
- قبادیان، وحید (بی تا). *بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- ناصرخسرو قبادیانی (۱۳۴۱). *سفرنامه*. به کوشش غنی‌زاده. تهران: انتشارات محمودی.
- کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر (۱۳۷۰). *الخراج*. مترجم حسین قره چانلو. بهران: نشر البرز.
- کاراپتیان، آرمینه (۱۳۹۱). «پیشینه فرش‌های ارمنی و بازتاب نماد و انگاره در اصالت نقش‌های آن». *فصلنامه فرهنگی ارمنیان «پیمان»*. سال شانزدهم. شماره ۶۰. ص ۷-۵۰.
- کاهن. کلود (۱۳۷۹). «قبایل، شهرها و سازمانبندی اجتماعی». *تاریخ ایران کمبریج*. تهران: امیرکبیر. جلد ۴. ص ۲۶۳-۲۸۳.
- کربلایی، حافظ حسین کربلایی (۱۳۴۴). *روضات الجنان و جنات الجنان*. به کوشش جعفر سلطان القرائی. تهران: بنگاه نشر و ترجمه.
- کسروی، احمد (۱۳۸۴). *شهریاران گمنام*. تهران: دنیای کتاب.
- لسترنج، گی (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های*

- واندنبرگ، لوئی (۱۳۴۵). *باستان شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.
- ویلسن، ج. کریستی (بی تا). *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فرار، تهران: فرهنگسرا.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۳). *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی. تهران: میراث فرهنگی کشور.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۲۲م). *البلدان*. محقق محمد ضنابی ناشر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- Dilgam Ismailov, *HISTORY OF AZERBAIJAN (TEXTBOOK) (2017)*. BAKU: Azerbaijan Architecture and Construction University.
- Shahmoradi Seyyed Masoud (2013). "Assessment and Analysis of Ismaili Sect's Functionality Sect in Azerbaijan 4th - 10th Century A.H." *Asian Culture and History*; Vol. 5, No. 1; 51-59.
- Pope A. U(1925). *The myth of the Armenian dragon carpets*. Jahrbuch: der Asistatischen kunst 11.
- UNESCO (2010). *Convention for the Safeguarding Cultural Heritgeinter Governmental*. "ITH/10/5.COM/CONF.202/Decisions". Kenya.
- Vacca, Alison (2015). "Nisbas of the North: Muslims from Armenia, Caucasian Albania, and Azerbaijan in Arabic Biographical Dictionaries (4th-7th centuries AH)". *Arabica*. 62. 521-550.
- W. Jacobsen, Charles (1931). *Facts about Oriental Rugs*. First edition. NY. Hardcover: Du Bois Press of Rochester.
- Iranicaonline (1990). "Carpet". New Yourk: Encyclopædia Iranica Foundation.
- Jay Gluck & Sumi Hiramoto Gluck (1977). *A Survey of Persian handicraft*. Michigan: Survey of Persian Art.
- خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
- مادولونگ. و. (۱۳۷۹). «سلسله‌های کوچک شمال ایران». *تاریخ ایران کمبریج*. تهران: امیرکبیر. جلد ۴. ص ۱۷۲-۲۱۷.
- مایلز. ج. ک. (۱۳۷۹). «سکه‌شناسی»، *تاریخ ایران کمبریج*. تهران: امیرکبیر. جلد ۴. ص ۳۱۵-۳۳۰.
- متز، آدام (۱۳۶۴). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو. تهران: امیرکبیر.
- مسکویه، احمد بن محمد (۱۴۲۴ق). *تجارب الامم و تعاقب الهمم*. محقق سید حسن کسروی. لبنان: ناشر دارالکتب العلمیه بیروت.
- مطهرالزدی، محمد کربلایی (۱۹۰۲م). *حکایه ابوالقاسم بغدادی*. هایدلبرگ: انتشارات کرل ووتر.
- مظاهری، علی (۱۳۴۸). *زندگی مسلمانان در قرون وسطی*، ترجمه مرتضی راوندی، تهران: نشر سپهر.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ*، گردآورنده عزیزالله عزیزاده، چاپ چهارم. تهران: انتشارات ادنا.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی، تهران: کومش.
- نظری، مجید (۱۳۹۴). «تجارت ایران و چین در قرن چهارم هجری». *فصلنامه فقه و تمدن اسلامی*. سال ۱۲. شماره ۴۶. ص ۱۱-۲۹.
- نفیسی، علی اکبر (۲۵۳۵ش). *فرهنگ نفیسی*. تهران: کتابفروشی خیام.
- هوسپیان، شاهن (۱۳۹۵). «سکه‌های خلفای عرب ضرب شده در ارمنستان». *فصلنامه فرهنگی ارمنیان «پیمان»*. سال بیستم. شماره ۷۷. ص ۳۲۹-۳۵۱.



نکته: مسیرهای سه گانه توضیح داده شده در متن مقاله، به تفکیک و با رنگبندی بر روی نقشه پیاده‌سازی شده است.

نقشه راه‌ها: موقعیت ایالت آذربایجان و راه‌های ارتباطی (لسترنج، ۱۳۷۷: ۷۹)

ردیف	شهرها نام		منابع									
	جدید	منابع در	خرداده این	حوقل این	اصطخری	مقسی	حدود العالم	فقیه این	یعقوبی	پسته این	پلاذری	ابودلف
۱	اردبیل	اردبیل	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	مراغه	مراغه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳	ارمیه	ارمیه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۴	تبریز	تبریز	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۵	سلماس	سلماس	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۶	خوی	خوی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۷	مرند	مرند	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۸	میانه	میانه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۹	مغان/موقان	مغان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۰	باجروان	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۱	ورقان	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۲	تیرزه	سقر*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۳	اشنه	اشنویه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۴	داخرقان	اذر شهر	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۵	بیرزند	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۶	نخجوان/نشوی	نخجوان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۷	پسوه	پسوه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۸	شیز	تخت سلیمان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۹	سایر ساخت	میانداوب*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۰	جنزه/گنزک	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۱	نیریز	نیر	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۲	کولسره/کورسره	هشترود*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۳	لشکه	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۴	سیسر	سندج*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۵	دوین	دوین	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۶	بیلقان	بیلقان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۷	خونج/خونه	کاغذکنان*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۸	بروانان	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۹	رسبه	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۰	بروی	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۱	برکری	مرادیه (ترکیه)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۲	اهر/میما	اهر	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۳	برذعه	بردع (اذربایجان)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۴	سراه	سراب	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۵	بذ	کلیر*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۶	جایروان/جایروقان	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۷	الران	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۸	قبان	ماکو*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۹	اسفندویه	**	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۴	-	۱۴	۱۷	۵	۱۲	۲۱	۱۱	۱۲	۱۷	۲۱	۲۳	۲۴

نکته: * نام جدید شهرها براساس دایره المعارف اسلامی

**شهرهایی که از بین رفته یا موقعیتشان مشخص نیست

√**شهرهایی که در منابع حداقل سه بار آمده است